

«ابتکار» دلایل کاهش قیمت خودرو و وضعیت بازار را بررسی کرد

خودرو در سرانشیبی قیمت؟

گروه بازار و سرمایه – امیرحسن کاکایی می‌گوید: چیزی که این روزها در بازار مشاهده می‌کنم مقداری نوسان بوده که کاملا طبیعی است و ناشی از نوسان ارزش ریال است. بررسی بازار خودروی پایتخت در روز شنبه، ۳۱ اردیبهشت‌ماه حاکی از روند نزولی قیمت‌ها، به‌ویژه در خودروهای داخلی و مونتاژی داشت به گونه‌ای که پراید ۱۱۱ به زیر ۲۰۰ میلیون تومان بازگشت. برخی از فعالان بازار از شروع کاهش قیمت خودرو طی هفته گذشته خبر می‌دهند، به گفته آنها جدی شدن یحث واردات یکی از اصلی ترین دلایل آغاز کاهش قیمت در این بازار است. بر اساس گزارشی از ایرنا در گروه سایپا هر دستگاه پراید ۱۳۱ حدود ۱۷۹ میلیون تومان، پراید ۱۱۱ (مدل ۹۹) بین ۱۹۹ تا ۲۰۱ میلیون تومان، تیبا صندوق‌دار ۱۹۴ میلیون تومان، تیبا ۲ حدود ۲۰۳ میلیون تومان…

شرح درصفحه ۸

ابرنگار

دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱
۲۱ شوال ۱۴۴۳
۲۳ مه ۲۰۲۲
سال هجدهم
شماره ۵۱۰
صفحه ۱۲
۴۰۰۰ تومان

«ابتکار» سومین انتخابات هیئت رئیسه مجلس را بررسی می‌کند

قایم‌یاف، نادران یا آقا تهرانی؟

صفحه ۲



یادداشت

سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و طرح چند سوال

کیکاووس پورابویی

زنگ اتمام سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نواختن شد، در وقفه ای سه ساله که برای برگزاری حضوری آن پیش آمده بود شرکت در آن نوستالژیک خاصی را بوجود می‌آورد که خاطره‌ساز ایام جوانی و دانشجویی را در اندhan تدامی می‌ساخت، غرفه‌های صف به صف و پیوسته با پارتنیشن‌های به هم چسبیده، بوی خوش کاغذ و نلین صدای جوانانی که پرشورهای رنگین را تبلیغ می‌کردند احساس دلپذیری را در فضای سرپسته مصلی ایجاد می‌کرد، گرچه فضای نیمه جانی از دنیای کتاب و کتاب خوانی را به نمایش گذاشته بود.

بازار کم رونق و کسادی فروش به خاطر آشفتگی اقتصادی و نشر کم کتاب‌های پر محتوا و با مفهوم، پال پرواز خیال را برای اندیشیدن در لایلای کتاب‌های متنوع بسته بود ، نمایشگاه رمقی نداشت و شعله هایش گرمایی از خود نشان نمی‌داد.

توفیقی داشتیم به اتفاق خانواده گشت و گذاری در نمایشگاه داشته باشیم و با کوله باری که برای تهیه کتاب برده بودیم چند جلد کتاب به تناسب مطالعات خود بخیریم و در آن تلمبار نماییم، البته کوله زیاد بزرگ نبود که تصور شود مملو از کتاب بود، از قبل لیستی از کتاب‌ها را که باید تهیه می‌کردیم در بره‌ای از کاغذ نوشته بودیم یا درون گوشی موبایل ذخیره کرده بودیم که متأسفانه اغلب کتاب‌ها موجود نبودند یا صاحب نشر غایب بود، ناشران بزرگی چون خوارزمی، نشر نی، مرکز ... و جایشان خالی بود، بعضی از ناشران هم بعلت مشکلات پیش رو و هزینه های زیاد اجاره غرفه در نمایشگاه و عدم استقبال از کتاب و کتابخوانی و هزینه های سرسام‌آور کاغذ بطور کلی صحنه را ترک کرده بودند همچون نشر طهوری و ... ؛ خیلی از کتاب‌ها را که لیست نموده بودیم مجبور شدیم دور آن را با قلمی قرمز خط بکشیم.

سفّ تخفیفات کتب مسئله جالبی بود که ذکر آن خالی از لطف نیست، ناشرانی بودند که تنها ده درصد تخفیف می‌دادند و بعضی از آنان حتی سی در صد تخفیف اعمال می‌کردند ، باید پرسید نظام خاصی برای فروش و تخفیف کتاب در نمایشگاه حاکم بود؟ قطعاً پاسخ منفی است، البته با این تورم ، گرانی کتاب نیز نباید دور از ذهن باشد. اما واقعیت بارز و دیدنی نمایشگاه که پاسخی برای آن ندارم و ای کاش بتوانم جوابی برای آن پیدا کنم حضور پرشور و پر حرارت سازمان‌ها، نهادها و پژوهشکده‌هایی بودند که از بودجه بیت المال ارتزاق می‌کنند.

ایا لازم و ضروری است یک سازمان و نهاد رسمی دولتی دو و یا سه غرفه مجزا در بهترین قسمت نمایشگاه با تعداد کثیری خدم و حشم داشته باشد؟ مگر چه گفتمان و نقشه راهی را برای عرضه دارند؟ چه تعداد و میزان گروه هدف را تغذیه فکری می‌کنند؟ چرا حاصل کار خود را جمعیت نمی‌سازند ؛ گاهی وقت ها لازم و نیاز است تا یک سازمان تخصصی حاصل کار و سرمایه فکری و پژوهشی خود را عرضه نماید تا جامعه از فعالیت آنان آگاه و گروه‌های هدف، مخاطب باشند، این مسئله با چاپ و نشر بی‌محتوای مجلات و کتاب‌هایی که حتی هیچ ارزشی و مخاطبی ندارد فکر و اندیشه خود در جامعه خریداری ندارند با پول بیت المال که فقط در قفسه های کتابخانه های چوبی و شیشه‌ای در حال خاک خوردن هستند چرا باید بدون ارزیابی و افکار سنجی از صاحبان اندیشه و متخصصین به شکل فله ای منتشر شوند؟ قبول دارم بعضی نشرها چنان تخصصی و فنی هستند که فقط درصد کمی از گروه‌های اجتماعی می‌توانند از آن بهره مند شوند لیکن دلیل نمی‌شود چوب حراج به بیت‌المال زد و بهانه ای شود برای سازمان‌ها ،نهادها و دانشگاه‌هایی که در دل خود چند مرکز نشر ایجاد کنند و آن دست از افرادی که برای جولان فکر و اندیشه خود در جامعه خریداری ندارند با پول مردم به جایگهی برسند ، غرفه‌های دو نیش، فروشندگان متعدد و عرضه کتاب به شکل پاکس‌های عظیم‌نمایی که بخش وسیعی از نمایشگاه را اشغال کرده بودند، به ظاهر چشم انداز زیبایی را نمایش می‌دادند که نه در عرضه محتوا موفق بودند و نه در جذب مخاطب!!

روایت میدانی نشر به اشپیگل از فرار پرمخاطره پناهجویان افغانستانی

آخرین امید برای فرار از بحران



ادامه، آن‌ها چند ساعت منتظر می‌مانند تا پیام عبور جهت خروج از خانه و حرکت به سمت مرز به آنها داده شود. ساعت ۲:۳۰ صبح به آن‌ها گفته می‌شود که زمان حرکت نزدیک است. در میانه راه، هرگونه یچ‌پچ کردن و گریه کودکان به شدت می‌تواند خطرناک باشد. ناگهان یکی از قاچاقچیان فریاد می‌زند: «همین حالا بروید!». وی این را در شرایطی می‌گوید که ظاهراً در نزدیکی مرز ایران در آن لحظه گشت و نیروهای نظارتی وجود ندارد. در نتیجه، خیلی زود تمامی افراد با صرف‌تلاش جهت خروج از افغانستان به مقصد کشورهای غربی کرده و حتی یک مرتبه خود را به اردوگاه بدنام موریا (اردوگاهی در لسبوس یونان)، که در آن پناهجویان در اردوگاه‌های اورگان اسکان داده می‌شوند، رسانده نیز در جمع مذکور حضور دارد. وی تنها هدف خود را خروج از افغانستان و رسیدن به اروپا عنوان می‌کند. وی می‌گوید که هیچ چیز نمی‌تواند مانع وی در رسیدن به شدت سرد است بونه‌ها و حفره‌های شنی عملاً پوششی را برای مهاجران افغان ایجاد می‌کنند. قاچاقچی انسان راه را نشان می‌دهد و یک دستیار نیز به نوعی به وی در این زمینه کمک می‌کند. در میان این دو (یکی جلو و دیگر عقب)، پناهجویان افغان حضور دارند. این مسیر تنها چند کیلومتر از جنوب مرکز ولایت زرنج افغانستان فاصله دارد. زوزه دسته جمعی شغال‌ها که گهگاه شنیده می‌شود، فضایی

«ابتکار» تازه‌ترین تحولات جنگ اوکراین را

بررسی می‌کند

پس از سقوط ماریوپل!

صفحه ۱۱



سرمقاله

ژیوبین صفاری



آینده‌ی بدبینی

طی روزهای گذشته رئیس جمهوری صحبت از یک تصمیم بزرگ کرد بدون آنکه از محتوای این تصمیم سخنی بگوید. واکنش‌ها و گمانه‌زنی‌ها نسبت به این مطلب البته در جای خود قابل تامل و بررسی است. آنچه پس از سخنرانی ابراهیم رئیسی با آن روبرو شدیم سلیی از گمانه‌زنی‌ها برای تصمیم جدید بود. نکته قابل توجه اما آن بود که اکثر پیش‌بینی‌ها حاکی از اتفاق یا اتفاق‌های ناخوشایندی به لحاظ اقتصادی برای مردم بود. به طوری که سخنگوی دولت چند ساعت بعد نسبت به آن واکنش نشان داد و موضوع گران شدن بنزین را تکذیب کرد. این مسئله نشان می‌دهد فضای عمومی تا چه اندازه آمادگی پیشامدهای منفی را بیش از مثبت دارد و دچار نوعی آیدمی منفی گرابی شده است. به بیان دیگر تسلسل اتفاق‌های بد اقتصادی طی چند سال گذشته که به دنبال آن پیامدهای اجتماعی منفی نیز به همراه داشته و از سوی دیگر عدم تکثرگرایی در سپهر سیاسی سبب افزون شدن بی‌اعتمادی مردم نسبت به هر تصمیمی از جانب مسئولان شده است.

این مسئله نشان می‌دهد که هر تحولی در فضای اقتصادی نیازمند زمینه‌سازی و اعتمادسازی افکار عمومی است که کمک جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی متخصص را هم می‌طلبد. به بیان صریح‌تر اصلاح قیمت‌ها که از آن به عنوان جراحی‌نام برده شد فارغ از درستی یا نادرستی آن به صورت تخصصی، همان حلقه مفقوده‌ای را داشت که در سال ۹۸ و در ماجرای افزایش قیمت بنزین نیز داشت.

ادامه درصفحه ۲

اینکه روزانه هزاران نفر در افغانستان تلاش می‌کنند تا از این کشور فرار کنند، نشان دهنده فاجعه‌ای است که عملاً این کشور متحمل شده و می‌شود. هیچ اقدام موثری هم جهت از بین بردن دلایل و محرک‌های اصلی مهاجرت گسترده مردم افغانستان انجام نمی‌شود. در این میان شهر کوچک زرنج افغانستان به یک مرکز اصلی جهت مهاجرات افغان‌ها به خارج از این کشور تبدیل شده است. شماری از هتل‌های این شهر به طور مرتب توسط تازه واردانی که از شهر و مناطق دیگر افغانستان وارد آن می‌شوند، پر می‌شود. در واقع، بسیاری از قاچاقچیان ارتباطات گسترده‌ای را با صاحبان هتل‌ها در این شهر دارند و امکان اسکان افراد مهاجر را با دریافت میزانی از سود این قضیه تسهیل می‌کنند. در این شهر، دلالتان ارز، ریال ایرانی و لیر ترکیه را به مهاجران می‌دهند. در عین حال، فروشندگان دوره گرد نیز سیم کارت، دارو و عینک (جهت حراست از چشم در برابر گرد و غبار) را به مهاجران و پناهجویان می‌فروشند. در این میان خودروهایی فرسوده نیز مهاجران را به نقاطی که باید تحویل قاچاقچیان داده شوند، می‌رسانند.

هر روز صبح، هزاران انسان به سوی منطقه‌ای غبار آلود که به ترمینال مسافری افغان‌ها مشهور است، حرکت می‌کنند. جایی که بیش از ۱۰۰ خودروی مسافری منتظر مسافران خود هستند. در این میان، توصیه‌های مشخصی به مهاجران و پناهجویان انجام می‌شود: حتماً عینک هایتان را جهت حراست از چشمان خود در برابر طوفان‌های شن بزنید. هرگز به تخمین‌های زمانی که از سوی قاچاقچیان ارائه می‌شود و ما را باآذاشت کرد و تنها با این شرط که هر چه سریع‌تر کشور را ترک کنیم، ما را آزاد کردند. وی همچنان می‌خواهد صحبت کند، اما فردی دیگر او را کنار می‌زند و می‌گوید: چه می‌گویید؟ شما باید به امارت اسلامی افغانستان خدمت کنید و منتون آنها باشید (وی در لباس غیرنظامی است).

وی ظاهراً یکی از نیروهای رژیم طالبان است که در پوشش میدل آماده است تا در صورت مشاهده هرگونه نافرمانی و شورش، سریع وارد میدان شود. فردی که بیشتر در مورد وی صحبت شد عضو سابق ارتش افغانستان بودیم. طالبان طالبان دایی وی را به پروگان گرفته و گفته است که تنها در صورتی او را آزاد خواهند کرد که بستگان او (همان‌هایی که اکنون در مرز هستند و سابق عضو ارتش افغانستان بودند) از خود ویدئویی بگیرند و نشان دهند که افغانستان را ترک کرده‌اند.

نیروی طالبان که در نزدیکی ماست به ناگهان وارد صحبت می‌شود و با لحن تهدید آمیزی می‌گوید که اگر به همین نحو به صحبت کردن ادامه دهید، دیگر هیچ وقت نخواهید توانست که از افغانستان خارج شوید. پناهجویان افغان در حالی از افغانستان به صورت پنهانی و با مشتقات و خطرات فراوان خارج می‌شوند که آینده مبهم را پیش روی خود می‌بینند. با این حال مهاجرت را بر تحمل شرایط کنونی در افغانستان ترجیح می‌دهند.»